

معراج النبی (ص) از منظر مفسران فریقین

دکتر نصرالله نظری^۱

مولوی عبدالوهاب اسدی^۲

چکیده

خداوند متعال جهت راهنمایی بشریت انبیاء را فرستاد تا این که بشریت خدا را بشناسد و راه و رسم سعادت‌مندی را بیاموزد. از آغاز خلقت انسان انبیا و رسولانی را با برنامه و دستورهای به نام دین به سوی انسان‌ها ارسال کرده تا آنان با پیروی از این فرستادگان الهی و عمل به احکام کتاب آسمانی آن‌ها بتوانند در راه رشد و تکامل معنوی گام بردارند. آخرین قافله‌سالار این کاروان هدایت، پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص) هست که دارای معجزات زیادی بود؛ از جمله این حوادث شگرف و شگفت‌انگیز دوران رسالت پیامبر (ص) سیر و سفر آسمانی آن حضرت به ملکوت و مشاهده آثار عظمت الهی است که بنام معراج در تاریخ و فرهنگ دینی ثبت شده است. این پژوهش با مراجعه به منابع مکتوب و با تکیه بر روش تحلیلی توصیفی، کوشیده است تا رخداد مورد نظر را به بررسی بگیرد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که کیفیت و چگونگی معراج از دیدگاه مفسران فریقین چگونه بررسی گردیده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که همه فرق اسلامی در اصل و حقیقت معراج عقیده دارند ولی در کیفیت آن در بین علما اختلاف است؛ عده‌ای آن را صرفاً روحانی می‌دانند و در مقابل گروه دیگری آن را روحانی و جسمانی دانسته‌اند. اکثر و جمهور علمای شیعه و سنی اعتقاد دارند که معراج پیامبر (ص) با همین بدن جسمانی صورت گرفته است؛ اما شماری اندکی عقیده دارند که معراج به صورت روحانی صورت بوده است.

واژگان کلیدی: معراج النبی، مفسران، تفسیر، فریقین

^۱. دکتری تفسیر و علوم قرآن با گرایش جامعه‌شناسی، محقق و استاد دانشگاه

^۲. ماستری رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه واحد کابل

مقدمه

مسئله معراج پیامبر (ص) از جمله مسائلی است که به دلیل پر رمز و راز بودن، در میان آموزه‌های دینی از اهمیت بسیاری برخوردار است، این‌که پیامبر (ص) در یک مقطع زمانی صعود آسمانی داشته‌اند و خداوند متعال حقایقی از جهان غیب و شهادت را برای پیامبر (ص) خود نشان داده است، از جمله مباحثی است که در آیه نخست سوره اسراء و آیات ۱۳ الی ۱۸ سوره نجم از آن سخن گفته شده است. مفسران فریقین نیز در ذیل آیات فوق دیدگاه‌های متفاوت را مطرح نموده‌اند. در حالی‌که اصل و حقیقت این مسئله در میان مسلمانان یک موضوع پذیرفته‌شده است. اما در چگونگی وقوع این معجزه شگفت انگیز در میان مفسران دیدگاه‌ها متفاوتی وجود دارد.

اکثر مفسران معراج پیامبر (ص) را جسمانی می‌دانند اما برخی از مفسران معراج را روحانی و برخی دیگر وقوع معراج را جسمانی می‌دانند. مستشرقان هم‌چنانکه در مسایل دیگری قرآنی شبهاتی زیاد را طرح نموده‌اند در موضوع معراج پیامبر (ص) نیز اشکالاتی را مطرح نموده‌اند و در اصل متسشرقان معراج و عروج را به حضرت عیسی (ع) منحصر می‌دانند و معراج حضرت محد (ص) را خود ساخته تاریخی مسلمانان می‌دانند. مایکل سلز می‌گوید واژه معراج در قرآن ذکر نگردیده است و پیامبر (ص) معجزه جز قرآن نداشت. ولی با توجه به ظاهر آیات قرآن کریم در وقوع اسراء و معراج پیامبر (ص) و نیز باتوجه به تواتر روایات معراج در منابع اصیل و اولیه حدیثی فریقین و نیز به اعتبار تواتر تاریخی قرآن کریم هیچگونه شبه‌ای از زاویه تاریخی به این موضوع وارد نیست. لذا مهم‌ترین مسئله در این نوشتار بررسی تحلیلی و توصیفی دیدگاه‌های مفسران پیرامون چگونگی و حقیقت معراج می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق این است، مفسران فریقین چه تحلیلی از معراج النبی (ص) ارائه نموده‌اند و پاسخ به شبهات در این موضوع چیست؟ محقق با استفاده از منابع مکتوب و روش توصیفی تحلیلی موضوع معراج پیامبر (ص) را مورد پژوهش قرار داده است.

معنای لغوی و اصطلاحی معراج

واژه معراج ریشه اصلی آن عروج می‌باشد که در فرهنگ لغات از آن تعبیرات مختلفی گردیده است؛ مثلاً عروج به معنی بالا رفتن است. (ابن منظور، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۲۰) و بمعنی نردبان آمده است. (رازی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱)؛ ولی در تعریف اصطلاحی معراج اختلاف است. به علت اختلاف علماء در چگونگی معراج زیر این‌که اکثر علماء معراج را روحی و جسمی و بعضی‌ها معراج را روحی و برخی‌ها در خواب می‌دانند. ولی تعریفی که مورد اتفاق جمهوری علماء اسلام می‌باشد. معراج در اصلاح به عروج پیامبر (ص) همراه با جسم و روح، در حالتی بیداری، در یک شب از مسجد الحرام به طرف مسجد الاقصی و از آنجا به سوی آسمان‌ها جهت مشاهده آیات الهی اطلاق گردیده است (عطار، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۳۲۸؛ ابن منظور، بی‌تا، لسان العرب، ج ۴ ص ۱۱۶۸).

نظریات مفسران فریقین در مورد معراج النبی (ص)

در میان مفسران فریقین در اصل و حقیقت اسراء و معراج پیامبر (ص) اتفاق نظر وجود دارد. لیکن در چگونگی و کیفیت اسراء و معراج پیامبر (ص) از طرف آن‌ها رویکردهای متفاوت و مختلفی مطرح گردیده است؛ که برخی از

مفسران وقوع اسراء و معراج پیامبر (ص) هردو را به وسیله روح می دانند؛ و برخی از مفسران قائل به تفصیل هستند؛ یعنی اسراء را جسمی و معراج را روحی می دانند؛ و برخی ها وقوع این دو مسأله هر دو را در خواب می دانند و برخی از دانشمندان اسلامی وقوع اسراء و معراج پیامبر (ص) را جسمی میگویند ولی نه به واسطه جسم مادی، بلکه همراه با جسم غیر مادی (هرقلیایی) ولی اکثر مفسران و متکلمان شیعه و اهل سنت اعتقاد دارند که اسراء و معراج پیامبر (ص) با همین بدن مادی صورت گرفته است؛ مثل طبری، شیخ صدوق، شیخ طوسی، قاضی عیاض، طبرسی، فخررازی، ابن کثیر، بیضاوی، تفتازانی، علامه مجلسی ... که در ذیل به نظریات هر کدام از آن ها پرداخته می شود.

رویکرد معراج جسمانی همراه باجسم مادی (نظریه جمهور)

رویکرد جمهوری مفسران اسلامی در موضوع چگونگی معراج پیامبر (ص) این است که معراج پیامبر (ص) همراه باجسم مادی و روح صورت گرفته است که برای نمونه نظر چند تن از مفسران فریقین را در ذیل مورد بررسی قرار می دهیم.

امام المفسرین ابن جریر طبری در تفسیر جامع البیان می نویسد: علماء در صفت و چگونگی اسراء و معراج پیامبر (ص) از مسجد الحرام به طرف مسجد الاقصی اختلاف نموده اند که برخی از علماء اسراء و معراج را پیامبر (ص) هر دو را روحی می دانند. استدلال این گروه سخن حضرت عایشه می باشد: «قالت ما فقد جسد رسول الله و لكن اسرى بروحه» در شب معراج جسم پیامبر (ص) مفقود نگردیده بود، و لیکن ایشان را همراه با روحش سیر داده شده است. گروه دیگری وقوع این واقعه را در خواب می دانند. مستند این گروه قول معاویه است «قال كانت رؤيا من الله الصادقة» ایشان گفته اند: معراج پیامبر (ص) از قبیل خواب های راستین بود. ولی اکثر علماء قائل به اسراء و معراج روحی و جسمی می باشند. به نظر ما سخن درست در مسأله معراج آن است که قطعاً خداوند بنده خود محمد (ص) را از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی و از آن جا به سوی آسمان ها با جسم و روح مبارک را عروج داده است. همچنان که آن موضوع را خداوند در آیه اول سوره اسراء توضیح داده است و نیز اخباری متواتری که از پیامبر (ص) در این موضوع به ما رسیده است آن را روشن نموده است که خداوند متعال بنده خود حضرت پیامبر (ص) را به وسیله براق به سفر معراج برده است، در آنجا برای جمعی از پیامبران نماز جماعت گزارده است، از نشانه های عظمت خود آن چه را خواست به آن حضرت نشان داده است. گفتار شخصی که قائل بر این است که در شب معراج روح ایشان به معراج برده شده است، نه کالبدش بی معنا است؛ زیرا سوار شدن به براق و قراین دیگری از خواص جسم است نه روح (طبری، بی تا، ج ۹، ص ۲۱)

۱. علامه طباطبایی

ایشان می گوید: چیزی که در موضوع معراج النبی (ص) مهم می باشد این است که اصل و حقیقت اسراء و معراج از موضوعاتی است که مورد اتفاق تمام مذاهب و مکاتب اسلامی می باشد و برای هیچ فرد مسلمان در این مسأله مجال انکار هرگز نخواهد بود؛ زیرا این که قرآن کریم این مسأله را به صراحت در دو سوره آورده شده است و نیز روایات متواتر در این زمینه در کتب حدیثی فریقین به حد تواتر تقریباً از سه تن از صحابه پیامبر (رض) نقل گردیده است. ولی مفسران و متکلمان و فلاسفه در چگونگی وقوع این رخداد بزرگ اختلاف نموده اند که اکثر دانشمندان اسلامی وقوع معراج را همراه با روح و جسم می دانند و برخی آن ها به صورت رؤیایی قائل هستند و برخی ایشان روحی فقط می دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۹ و ۴۰).

از کلام مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر سوره اسراء در المیزان چنین بر می آید که ایشان اسراء پیامبر (ص) را بر اساسی تصریح آیه اول اسراء از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی همراه با جسم و روح می داند؛ ولی معراج آن حضرت را از مسجد الاقصی به سوی آسمان ها روحانی می داند. مراد از معراج روحی این است که روح مقدس آن حضرت را به ماورای این عالم مادی صعود داده شده است؛ به محلی که فرشتگان مقرب شرف حضور دارند و همچنان در آن جا نشانه های بزرگ پروردگارش را دید و حقایق تمامی اشیاء را از قبیل بهشت، و دوزخ، ارواح انبیای (ع) و غیره را ملاقی شد. (همان) نه آن طوری که که طرفداران معراج رؤیای معتقد هستند که وقوع معراج فقط به صورت رؤیای صادقه بوده است، چون اگر فقط خواب می بود دیگر نیاز نبود که آیات قرآن به این مقدار تأکید و توضیحات بدهد و مقام و منزلت آن حضرت را به این معجزه صعود بدهد و همچنین دیگر محل تعجب و انکار برای قریش نبود و نیز مشاهداتی را که آن حضرت جهت اثبات صداقت این سفر خود استشهد نموده اند؛ با توجیه رؤیایی بودن معراج نمی سازد (همان، ص ۴۱).

۲. سید ابوالحسن رفیعی قزوینی

ایشان در مورد چگونگی معراج پیامبر (ص) می گوید: معراج پیامبر (ص) همراه با جسم لطیف صورت گرفته است. ولی معراج جسمانی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) قابل تفسیر می باشد و آن این که پیروی بدن از فرمان روح در تمام انسان ها، یکسان نیست؛ چون در برخی از افراد عادی، روح آن در خواست و مطالبه تحقق کار را می کند. ولی بدنش به نافرمانی از حکم روح می پردازد و به فرمان و دستورات آن پیروی نمی کند. ولی این قاعده در موضوع بدن مبارک پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) صدق نمی کند و مورد ایشان، موضوع کاملاً برعکس جاری است. دلیل آن بر این ادعا چنین است که بدن مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کمال لطافت قرار داشته است و شبیه جسم پیامبر (ص) را در بقیه اجسام نمی توان سراغ یافت. نظر به قاعده «اشتراک معنوی وجود» که از قواعد مهم عقلی به شمار می آید، افق هر بدنی از حیث مرتبه وجود، مرتبط و متصل به افق وجودی روح است و تناسب مستقیمی میان جسم و روح یک انسان برقرار است. این قاعده در باره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بالاترین و کامل ترین حد قابل تطبیق است؛ زیرا روح بلند ایشان به سبب تسلط کاملش بر بدن خود، باعث عروج جسم لطیف ایشان به ملکوت و آسمان ها گردیده است (همان، ص ۳۹).

۳. عبد الکرم نیشابوری

ایشان براساس سبک و روش تفسیر اشاری خود یک سلسله توضیحات اشاری را در ذیل آیه مربوطه در موضوع معراج پیامبر (ص) بیان می دارد که اشاره به معراج جسمی دارد. چون غرض ایشان از بیان آن سلسله نکات اشاری اثبات نمودن سفر معراج پیامبر (ص) به عنوان یک واقعه ای تعجب آور و شگفت انگیز است و آن در صورت تبدیل به واقعه شگفت انگیز شده می تواند که وقوع چنین واقعه ای در حالت بیداری همراه با جسم صورت گرفته باشد، نه به وسیله ای روح فقط؛ زیرا این که وقوع معراج پیامبر (ص) در شب هنگام در تعجب و شگفت آوری آن می افزاید تا این که آن عده از کسانی که خبر پیامبر (ص) را تصدیق و به جان و دل پذیرفته اند از کسانی که در آن موضوع تعجب و استبعاد و تردید نموده اند یکنوع تفاوت حاصل گردد. نیز ایشان اضافه می کند عبادت شب و نماز تهجد برای آن حضرت (ص) سبب شد که خداوند متعال ایشان را شب هنگام به سفر معراج مشرف بگردانند (نیشابوری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۷۹).

۴. فخر رازی

مفسر معروف اهل سنت، امام فخر رازی در ذیل آیه اول اسراء، چنین می‌گوید: مذاهب اسلامی در چگونگی و کیفیت اسراء و معراج النبی (ص) اختلاف نموده‌اند که بیشتری گروه‌ها و طوایف مسلمین طرفدار معراج جسمی می‌باشند؛ یعنی این که پیامبر (ص) در شب معراج با جسم و بدن مبارک به معراج برده شده است. ولی تعداد اندک از مسلمانان طرفدار معراج روحی می‌باشند که از آن جمله حدیفه، و عایشه، (رض) از این گروه هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۱۲۰).

۵. سعدالدین تفتازانی

ایشان نیز عقیده به معراج جسمانی را قول اکثر دانسته و منکر آن را بدعت کار می‌داند. ایشان در این خصوص می‌نویسد: اصل و حقیقت مسأله معراج پیامبر (ص) از جمله مواردی است که در کتاب و سنت و اجماع ثابت گردیده است و تنها اختلاف در چگونگی این واقعه است که آیا واقعه در خواب صورت گرفته است و یا در بیداری با روح فقط بوده است و یا همراه با روح و جسم صورت گرفته است. ولی حق این است که این واقعه در حال بیداری و با جسد شریف صورت گرفته است (تفتازانی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۷).

۶. آلوسی

علامه آلوسی در تفسیر آیه مربوطه پس از توضیحاتی در مواردی، همچون تاریخ وقوع معراج و محل وقوع معراج و... اختلاف علماء را در چگونگی وقوع اسراء و معراج پیامبر (ص) نقل و بررسی نموده است که ایشان رویکردهای دانشمندان را در چگونگی وقوع معراج پیامبر (ص) به پنج دسته تقسیم نموده است.

۱. رویکرد جمهور علماء در چگونگی وقوع معراج پیامبر (ص) رویکرد جسمانی است؛ که آنان وقوع معراج را به استناد به آیات و روایات صحیحیه در حالت بیداری همراه با جسم و روح مبارک می‌دانند.

۲. ولی در مقابل برخی از بزرگان همچون حسن بصری، حضرت معاویه وقوع این رخداد بزرگ را به استناد به آیه «و ما جعلنا الرؤیا الّتی اریناک...» (اسراء، ۶۰)، در حالت خواب می‌دانند، زیرا که رؤیا در ظاهر لغت محمول به خواب می‌باشد. در حالی که جمهور مفسران رؤیا را در آیه مذکوره به معنی رؤیت با چشم گرفته‌اند.

۳. برخی دیگری از علماء وقوع این حادثه را به وسیله روح می‌دانند. مراد آنان از معراج روحی به معنی انسلاخی که عرفاء و حکماء گفته‌اند نیز نمی‌باشد.

۴. قول چهارم را مازری در شرح مسلم به عنوان جمع میان اقوال ذکر نموده است و آن این که اسراء پیامبر (ص) از مسجد الحرام تا بیت المقدس همراه با جسم در حالت بیداری صورت گرفته است. ولی عروج ایشان از بیت المقدس به طرف آسمان‌ها به وسیله‌ای روح شریف آن حضرت صورت گرفته است؛ زیرا این که مشرکین قریش زمان شنیدن این حادثه به امکان وقوع اسراء تعجب و انکار نموده‌اند به دلیل این که اسراء جسمی بوده است، ولی چونکه وقوع معراج به وسیله روح و یا در خواب صورت گرفته بود، به امکان آن هیچ اشکال نگرفته‌اند؛ زیرا این که خواب جای تعجب و انکار ندارد که یک شخص در خواب می‌تواند حتی از مشرق به مغرب سفری روحی نماید (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۹).

۵. رویکرد پنجم: منسوب به مولانا عبد الرحمن دشتی و عبد الرحمن جامی می‌باشد؛ که آنان معراج پیامبر (ص) را تا عرش همراه با جسم و روح می‌دانند. ولی وقوع معراج را به ماوراء عرش به وسیله روح فقط می‌دانند (همان، ص ۱۲). خلاصه کلام این که آقای آلوسی وقوع معراج پیامبر (ص) را همراه با روح و جسدش می‌داند و بر اساس علم هندسه این امر را ممکن تلقی می‌کند و نیز علامه آلوسی می‌گوید: آنچه که از گروه بنام کشفیه نقل گردیده است محل تعجب بوده و دارای اعتباری نیست. برای روح بشری دو گونه جسم وجود دارد. نخست جسمی لطیف که در عالم

غیب نیاز است و هیچگونه عناصری در آن در کار نیست و آنان می‌گویند: معراج پیامبر (ص) همراه با جسم لطیف صورت گرفته است. دوم: جسم کثیف است که در علم مادی نیاز است (همان، ص ۱۲).

۷. وهبه الزحیلی

آقای زحیلی نیز مانند اکثر مفسران اسلامی در مسئله‌ای چگونگی و صفت معراج پیامبر (ص) می‌گوید: سیر شبانگاه و معراج پیامبر (ص) همراه با روح و جسم، در حالت بیداری، و سوار بر براق انجام گرفته است نه این که وقوع واقعه‌ای اسراء و معراج در حالت خواب، و یا به وسیله روح صورت گرفته باشد؛ و برای ثابت کردن این مطلب به چند نکته استدلال نموده است. در قدم نخست در نص آیه‌ای اول اسراء کلمه‌ای (عبده) ذکر گردیده است که لفظ عبد در لغت و عرف اطلاق بر مجموع از جسم و روح حمل می‌شود، نه به روح فقط. همچنین آیه «ما زاغ البصر و ما طعی» (نجم، ۱۷) دلالت بر جسمانیت این واقعه دلالت دارد؛ به دلیل این که چشم از آلات جسم است نه روح. از سوی دیگر اگر وقوع چنین حادثه در خواب، و یا به واسطه‌ای روح صورت می‌گرفت، هیچ نیازی نبود که ام هانی (رض) به پیامبر (ص) بگوید: که این ماجرا را به قریش حکایت نکن و گرنه مورد تکذیب آنان قرار خواهید گرفت. نیز ابوبکر صدیق (رض) به جهت تصدیق این واقعه به فضیلت ویژه دست یافته و مفتخر به لقب صدیق نمی‌گردید و نیز هیچ گونه بهانه برای مشرکین قریش نبود که این قدر سر و صدا را به راه انداخته و این معجزه بزرگ پیامبر (ص) را تکذیب نمایند. حتی برخی از مسلمانان ضعیف الایمان نیز در این هنگام به ارتداد روی نمی‌آوردند (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۱۸-۱۵).

نیز بشر بودن پیامبر (ص) و نیاز داشتن در چنین سفری به هوا و اکسیژن در آسمان‌های بلند، مانع امکان همچون سفری نخواهد شد؛ زیرا این که قطعاً قدرت کامله خداوند متعال تضمین کننده نیازها و ضروریات پیامبرش در این سفر فضایی بوده است. چنانچه امروزه به وسیله پیشرفت علم و تکنولوژی فضانوردان را همراه با محموله‌های از اکسیژن به فضا فرستاده می‌شوند؛ که در نتیجه آنان از تمام موانع سفری فضای از قبیل مشکل هوا و در امن قرار می‌گیرند. پس امکان سفر فضایی شر که امروزه برای همگان روشن گردیده است، حجت تام بر صحت عقیده بر مسأله اسراء و معراج پیامبر (ص) می‌باشد. این حقیقت نیز روشن گردید که محمد (ص) نخستین پیش‌آهنگ عرصه فضانوردی و از پیشرفته‌ترین دستاوردهای حال و حاضر و آینده دانش فضانوردی جلوتر بوده است (همان).

۸. المراغی

آقای مصطفی مراغی در قدم نخست رویکردهای دانشمندان در مورد چگونگی وقوع واقعه‌ای اسراء و معراج پیامبر (ص) را بررسی نموده است؛ که آیا اسراء پیامبر (ص) همراه با جسم و روح صورت گرفته است؟ یا به وسیله‌ای روح فقط انجام گرفته است؟ که اکثر مفسران و دانشمندان جهان اسلام با استناد به دلایل از آیات، روایات که در این زمینه وجود دارد. به این عقیده هستند؛ که اسراء پیامبر (ص) همراه با جسم و روح مبارکش صورت گرفته است. از جمله‌ای آن دلایل موارد ذیل می‌باشد:

۱. واژه (سیحان) که در ابتداء آیه اسراء آمده است، دلالت بر عظمت و بزرگی این مسأله دارد، زیرا این که تسبیح و تعجب در مقابل چیزهای قابل توجه و بزرگ صورت می‌گردد، و اگر وقوع این واقعه اسراء پیامبر (ص) در خواب صورت گرفته بود، دیگر محل تعجب و استبعاد برای کفار قریش را نداشت.

۲. علاوه بر آن اگر این حادثه به صورت روحی می‌بود، نقل این داستان هرگز محل تعجب و استبعاد برای مخالفین قرا نگرفته و منجر به انکار و تکذیب قریش نسبت به این مسأله نمی‌گردید.

۳. همچنان هرگز گروه از مسلمانان در زمان دریافت این خبر به ارتداد و کفر روی نمی‌آورده‌اند.

۴. نیز برای حضرت ابی‌بکر (رض) زمانی که به تصدیق سخن پیامبر (ص) برخاست، هیچ گونه فضیلت و برتری حاصل نمی‌گردید.

۵. نیز پیامبر (ص) این خبر را زمانی که به ام هانی باز گو نموده‌اند. حضرت ام هانی به ایشان توصیه نمی نمود که اگر این داستان را به قریش بازگو نمایید، یقیناً به تکذیب و مخالفت از طرف آن‌ها مواجه خواهید شد.

۶. نیز واژه عبد اطلاق به مجموع از روح و جسد می‌شود، نه بر روح فقط.

۷. همچنان این نوع از حرکت به مستندات تاریخی از منظر آیات قرآن، همچون سیر و حرکت حضرت سلیمان (ع) توسط باد و غیره در ذات خود ممکن است. (المراغی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۹۳).

برخی‌ها: علاوه بر این که وقوع معراج پیامبر (ص) را به وسیله روح و یا در حالت خواب دانسته‌اند. همچنان وقوع اسراء پیامبر (ص) را از مسجد الحرام به سوی بیت المقدس که حتی آیات قرآن به آن تصریح دارد، نیز بوسیله روح و یا در خواب می‌دانند که دیدگاه‌های هر یک از آن‌ها قرار ذیل است.

اول: قول معاویه (رض) که ایشان معتقد به وقوع (اسراء) پیامبر (ص) در حالت خواب می‌باشد. چنانچه که هر زمانی که از ایشان در موضوع اسراء سوآلی می‌گردید، ایشان می‌گفت «کان من الروای الصادقه» اسراء پیامبر (ص) از جمله خواب‌های صادق بود.

دوم: قول حضرت عایشه (رض) است که ایشان وقوع اسراء پیامبر (ص) روحانی می‌دانند؛ که فرموده‌اند «ما فقد جسد رسول الله و لكن اسرى بروحه» سوم قول حسن بصری است، ایشان نیز به استدلال به آیه «و ما جعلنا الروایا» اسراء پیامبر (ص) را در خواب می‌دانند (همان).

۹. ابو منصور ماتریدی

ایشان بعد از تفسیر و تاویلات که در ذیل آیه اول سوره (اسراء) انجام داده‌اند، در نتیجه چنین دانسته می‌شود که این بزرگوار در مسأله معراج پیامبر (ص) نظریه‌ای را که برخلاف دیدگاه دیگر مفسران است مطرح می‌نماید که این نظریه در تفاسیر دیگران کمتر به چشم می‌خورد و آن این است که ایشان به علت عدم تصریح آیات در زمینه عروج پیامبر (ص) به طرف آسمان‌ها، معتقد است که در این مسأله توقف باید نمود که عین عبارت ایشان قرار ذیل است. ایشان می‌گویند: آن دسته از روایات که در زمینه‌ای معراج النبی (ص) وارد است، بیانگر این است که پیامبر (ص) را به آسمانها عروج داده شده است و در آن روایات از جمله داستان‌های که آمده است، این است که ایشان را در شب معراج به آسمان‌ها برده شد و همراه برادران صدیق خود را (انبیاء ع) ملاقات نمود و... و اگر چنین روایات از حیث نقل درست و صحیح باشد، بنده نیز نسبت به صداقت آن مسأله شهادت می‌دهم. لیکن چنین روایات اطمینان‌آور نیست، به علت این که همه آن‌ها اخبار آحاد هستند و شهادت و گواهی دادن به خبر واحد درست نیست، بناء به آنچه که در آیه به صورت صریح آمده است، (اسراء پیامبر ص از مسجد الحرام تا بیت المقدس) به همان اندازه اکتفاء می‌نمایم (ماتریدی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۴).

۱۰. قرطبی

آقای قرطبی در ضمن چند مباحث در زمینه‌ای معراج پیامبر (ص) بحث چگونگی وقوع معراج را مطرح می‌نماید که به قرار ذیل است. ایشان می‌گویند علماء سلف و خلف در موضوع معراج پیامبر (ص) اختلاف نظر دارند که آیا معراج پیامبر (ص) همراه با روح مبارک صورت گرفته است. بدون این که جسم ایشان از محل بسترش جدا گردیده باشد؟ و یا این که این موضوع در حالت رؤیایی صادق بوده است؟ این دیدگاه از عایشه (رض) و معاویه و حسن بصری و ابن اسحاق نقل گردیده است. گروه سوم: اسراء را همراه با روح و جسد می‌دانند. لکن وقوع معراج را فقط با روح می‌دانند. زیرا این که در آیه نخست اسراء غایه اسراء تا بیت المقدس ذکر گردیده است و گروه چهارم: که اکثر از علماء متقدم و متاخر هستند. با استناد به دلایل از آیات و روایات در این زمینه مانند تکذیب قریش و ارتداد برخی از مسلمانان و...

قائل به وقوع اسراء و معراج پیامبر (ص) در حالت بیداری همراه با جسم مبارک می‌باشند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۲۹).

۱۱. محمد طاهر ابن عاشور

ایشان می‌گویند برای پیامبر (ص) دو کرامت و معجزه وجود دارد. یکی از آن‌ها اسراء پیامبر (ص) است که در آیه ذکر گردیده است و دیگری آن معراج است که به احادیث صحیحین و یا به آیات ۱۳-۱۸ سوره نجم بیان گردیده است. و نیز ایشان می‌نویسد: که علماء سلف در موضوع اسراء پیامبر (ص) اختلاف نموده‌اند که برخی آنان اسراء را رؤیای می‌دانند؛ اما جمهور علماء اسراء پیامبر (ص) را در حالت بیداری و همراه با جسم می‌دانند. دلیل جمهور بر این مطلب چند نکته از آیه می‌باشد. یکی از آن‌ها تکذیب قریش و بیان و توصیف پیامبر (ص) برخی از نشانه‌ای را از بیت المقدس برای قریش می‌باشد؛ که این دلایل بر معراج جسمانی دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۷۶۵).

۱۲. محمد شفیع عثمانی

۱. ایشان در ضمن تفسیر آیه اول سوره اسراء به جسمانی بودن واقعه‌ای معراج النبی (ص) یک سلسله استدلال از نکات آیه مذکوره نموده‌اند که قرار ذیل است. از قبیل این‌که واژه (سبحان) که برای تعجب است و نیز انکار مشرکین قریش دلالت بر معراج جسمی می‌کند. و نیز ایشان در مورد امکان وقوع معراج جسمی که نظر به روایات اسراء النبی (ص) از مسجد الحرام توسط براق انجام گرفته است و براق را در دیوار مسجد الاقصی بسته‌اند و عروج‌شان از بیت المقدس به سوی آسمان‌ها به وسیله‌ای نردبان صورت گرفته است که فقط خداوند بر حقیقت آن نردبان وقوف دارد. ایشان می‌افزاید بناء همچنانکه در عصر حاضر نیز اقسام نردبان‌های متحرک و پیچ‌خورده وجود دارد که انسان‌ها توسط آن به بالا می‌روند. پس پیامبر (ص) نیز توسط نردبان معجزه‌انگیز با جسم و روح مبارک از بیت المقدس به آسمان‌ها عروج نموده است.

۲. همچنان این مفسر بزرگوار در تفسیر آیات سوره نجم بیان می‌کند که ائمه تفسیر در خصوص تفسیر آیات سوره نجم دو نظر متفاوت دارند. نظر نخست آن است که همه این آیات مشتمل بر واقعه معراج و تعلیم بلا واسطه حق تعالی به رسول خود و رویت حق تعالی می‌باشد. از میان اصحاب حضرت انس و ابن عباس رض الله عنهما این نظریه را قبول دارند.

نظریه دوم: بسیاری دیگری از صحابه و تابعین و ائمه تفسیر این آیات را به رویت اصلی حضرت حمل نموده‌اند و صفات متذکره در آیات سوره نجم را صفات جبریل دانسته‌اند و نظر دوم را ترجیح داده است (عثمانی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۲۷۵-۲۹۲).

۱۳. شنفیطی

دیدگاه صاحب اضواء البیان در مورد اسراء و معراج را چنین است. الف) برخی‌ها اسراء النبی (ص) را روحی می‌دانند نه جسمی به گمان این‌که این حالت در خواب برایش رخ داده است چون خواب انبیاء نیز از جمله وحی است. ب) اما برخی‌ها وقوع اسراء را جسمی ولی معراج را روحی می‌دانند. ج) ولی از ظاهر آیات، وقوع معراج را به صورت روحی و جسمی در حالت کاملاً بیداری فهمیده می‌شود.

۱. به دلیل این‌که اطلاق لفظ (عبد) به مجموع روح و بدن می‌شود نه به روح فقط و نیز تسبیح و تنزیه در مقابل امر بزرگ صورت می‌گیرد وقوع معراج اگر در خواب صورت می‌گرفت جای تعجب نبود.

۲. و نیز این نظریه را آیه کریمه «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى» (النجم، ۱۷) تأیید می‌کند چون بصر از آلات بدن است نه روح.

۳. و نیز واضح‌ترین دلیل بر معراج جسمی آیه کریمه: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ»؛ (الاسراء، ۶۰).

چون مراد از این رؤیت، رؤیت باچشم و درحالت بیداری است نه رؤیت درحالت خواب همچنانکه ابن عباس و دیگران بر این نظر هستند (شنقیطی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۷).

۴. از جمله دلایل روشن بر این مطلب که مراد از رؤیا درآیه فوق دیدن به چشم درحالت بیداری است نه درحالت خواب این است که اگر این حادثه درحالت خواب صورت می‌گرفت این خواب فتنه و سبب تکذیب و انکار قریش نمی‌گردید چون خواب محل انکار و تعجب قرار نمی‌گردد.

۵. و نیز آیات ذیل دلالت می‌کند بر این که مراد از رؤیا در فوق دین به چشم در حالت بیداری است: «لنریه من آیاتنا» و قوله «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى» (النجم: ۱۷-۱۸).

۶. نیز سوار شدنشان بر براق دلالت بر اسراء و معراج جسمی دارد چون ارواح نیاز به مرکبی ندارند. (همان).

۷. همچنانکه آیات دلالت بر جسمانی بودن اسراء و معراج دارد روایات متواتر در این مورد نیز دلالت می‌کند بر این که اسراء و معراج هر دو جسماً و روحاً در حالت بیداری صورت گرفته است.

اهل سنت والجماعه نیز بر همین عقیده هستند قول ملحدین که منکر این موضوع هستند اعتبار ندارد (همان، ص ۹۸).

۱۴. سید قطب

این عالم بزرگوار در تفسیر خود ذیل آیه مربوطه، در مورد چگونگی وقوع این واقعه شگفتانگیز چنین می‌نویسد: این که آیا معراج پیامبر (ص) در حالت بیداری صورت گرفته است یا در حالت خواب؟ میان علماء اختلاف است که در این زمینه حضرت عایشه و حسن بصری وقوع این رخداد عظیم را در خواب می‌دانند. ولی روایاتی فراوانی دیگری که در این زمینه وجود دارد، وقوع معراج پیامبر (ص) با روح و جسم بیان می‌دارد، حتی به گونه‌ای که هنوز رختخواب آن حضرت سرد نگردیده بود آن حضرت از معراج به خانه برگشت. بنابراین از مجموع روایات موجود در موضوع معراج آن حضرت (ص) می‌توان چنین نتیجه گرفت که پیامبر (ص) از رختخواب خود به خانه آمد، بلند گردید، به مسجد الحرام تشریف برده‌اند، و از آنجا که ایشان را میان حالت خواب و بیداری به معراج برده شد، در نتیجه علامه سید قطب می‌گوید: بنده جای برای جدال‌های دور و دراز نمی‌بینم، جدال‌های که در میان دانشمندان قدیم و جدید در موضوع معراج پیامبر (ص) وجود داشته است (سید قطب، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۳۳۲).

البته اکثری علمای شیعه هم معتقد به معراج جسمانی هستند مانند؛ مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، مجلسی، طبرسی، و غیره.

۱۵. طبرسی

برای اثبات این موضوع دلائل و شواهدی وجود دارد که روایات اسلامی گواهی قطعی بر جسمانی بودن آن می‌دهد چنان که فقیه و مفسر بزرگ شیعه، مرحوم طبرسی، در تفسیر «مجمع البیان» اتفاق اکثر علماء را بر جسمانی بودن معراج نقل می‌نماید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۳۴۵).

۱۶. شیخ طوسی

این مفسر عالیقدر می‌گوید: آنچه که آیات قرآن به آن صراحت دارد و اخبار صحیح به آن دلالت دارد: و آن این است که وقوع اسراء پیامبر (ص) از مسجد المسجد الحرام به طرف بیت المقدس صورت گرفته است. لیکن وقوع معراج بر اساسی اخبار مشهور ثابت است. آنچه که ما و بسیار از اهل تأویل بر آن معتقد هستیم، و بجای آن را ذکر نموده است، این است که: پیامبر (ص) را در حالت بیداری یعنی همراه با جسم و روح مبارک در همان شب اسراء به آسمان‌ها

نیز عروج داده شد، حتی این که به سدره المنتهی که در آسمان هفتم قرار دارد رسید. در آنجا خداوند منان برایش برخی از نشانه‌های زمین و آسمان‌ها را جهت زیادت معرفت و یقین نشان داد (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۴۶).

۱۸. سبحانی

آیت الله سبحانی در تأیید و تقویت بیشتر این نظر (جسمانی بودن معراج) می‌فرماید: قریش از شنیدن این که پیامبر ادعا نمود من در ظرف یک شب همه این اماکن (سیر به مسجدالاقصی و عروج به آسمان‌ها) را سیر نموده‌ام سخت ناراحت شدند و سریعاً به تکذیب او برخاستند؛ به‌طوری که جریان معراج وی در همه محافل قریش موضوع روز شد؛ هرگاه سیر این عوالم به صورت یک رؤیا بود معنا نداشت که قریش به تکذیب حضرت برخیزند و جنجالی راه بیندازند؛ زیرا گفتن این که من در شبی از شبها در هنگام خواب چنین خوابی را دیده‌ام هرگز موجب نزاع و اختلاف نمی‌گردد، چون سرانجام هر چه است خواب است و تمام امور محال و غیر ممکن و به دور از ذهن در خواب به صورت ممکن درمی‌آید.

۱۹. علامه سید هاشم برهانی

ایشان بعد از نقل اختلاف علماء را در این که این واقعه در خواب صورت گرفته است و یا در بیداری؟ همراه روح فقط صورت گرفته است، یا همراه روح با بدن؟ دیدگاه اکثریت دانشمندان اسلامی را در موضوع چگونگی وقوع اسراء و معراج پیامبر (ص) به صورت روحی و جسمی می‌دانند (البرحانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۹۰).

۲۰. محمد ابراهیم بروجردی

ایشان می‌فرماید که این آیه (اول سوره اسراء) اشاره به معراج است که معراج از بزرگترین معجزه بینات حضرت خاتم الانبیاء بعد از قرآن مجید است که این معجزه روشن دربردارنده برخی علوم و فنون مختلفه و نیز شامل بر احکام و مصالح بی‌شماری است که با اکتشافات عصر جدید انطباق کامل و موافقت دارد. (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۹۸) بناء اگر دانشمندان صدر اسلام از حدود فلسفه و طبیعیات و طب و فلکیات و سایر علوم یونانیان تجاوز می‌کرده‌اند و پیروی این علوم و علوم دیگری از قرآن و احادیث وارد می‌گردیده‌اند به صورت یقین بسیاری از اکتشافات عصر حاضر به دست مسلمین کشف گردیده بود. همچنانکه که اگر غیر مسلمان نیز از علوم قرآن برخوردار می‌بودند بیشتر از این می‌توانستند اختراعات و اکتشافات حاصل نمایند و مدنیت حاضر را روشن‌تر بسازند. ولی پیامبر اسلام (ص) در عصری که نه دانش آن زمان مساعد بود و نه افکار و آراء مردم آن عصر آن بیانات را می‌پذیرفت در عین حال بدون توجه به آراء فلاسفه یونان و مخالفت مشرکین ضمن داستان معراج باکمال وضوح این علوم غامضه را توضیح داده‌اند که صدق آن موارد بعد از دوازده قرن روشن گردید (همان، ص ۹۹).

۲۱. کاشانی

ایشان در قدم نخست بررسی تاریخی واقعه‌ای معراج پیامبر (ص) را می‌نمایند که دیدگاه اکثر علماء را به این می‌دانند که این واقعه در سال دوازدهم بعثت رخ داده است. هرچند که در روز و ماه آن اختلاف است که برخی آن را در ماه ربیع الاول، برخی آن را در ۲۷ ماه رجب و برخی در ماه رمضان و می‌دانند (کاشانی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۶). و نیز در کتاب تفسیرش ضمن تفسیر آیه اول اسراء چنین می‌نویسد: اسراء و بردن پیامبر (ص) از مسجد الحرام به طرف مسجد الاقصی به نص آیه‌ای اول اسراء ثابت گردیده است که منکر آن (اسراء) یقیناً کافر است اما عروج آن حضرت از بیت المقدس به طرف آسمان‌ها براساسی احادیث مشهور است که به حد تواتر میرسد که منکر آن (معراج) را می‌توان گمراه و بدعت کار شمرد. اکثر مسلمان معتقد هستند که معراج آن حضرت (ص) همراه با جسم و روح

صورت گرفته است و کسانی که ثقل جسد را مانع معراج جسمی می‌دانند، از اهل بدعت و منکر قدرت خداوند هستند (همان).

۲۱. ناصر مکارم شیرازی

ایشان در تفسیر نمونه می‌نویسد علاوه بر این که مشهور میان دانشمندان اسلام (اعم از شیعه و اهل تسنن) این است که واقعه‌ای اسراء و معراج پیامبر (ص) در حالت کاملاً بیداری و هشیاری همراه با جسم مبارک صورت گرفته است؛ و نیز انکات موجود در آیات قرآن در آغاز سوره اسراء و همچنین ظاهر آیات ۱۳-۱۸ سوره نجم نیز وقوع این مسأله را در بیداری گواهی می‌دهند و تاریخ اسلام نیز گواهی صدق بر این مسأله است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۱ ص ۱۵ و ۱۶).

۲۲. محسن قرائتی

ایشان می‌گوید: در قدم نخست بیان می‌دارد که اصل وحقیقت معراج پیامبر (ص) از ضروریات دین بوده و مورد اتفاق تمام ملل و فرق اسلامی می‌باشد. روایت متواتر در کتاب‌های حدیثی فریقین نیز وجود دارد که وقوع معراج پیامبر (ص) را به صورت جسمانی و در حالت بیداری صورت گرفته است تأیید می‌کند نه این که به صورت روحی و یا رؤیای بوده باشد (قرائتی ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵).

۲۳. علی اکبر هاشمی رفسنجانی و گروهی از محققان

ایشان هم در ضمن تفسیر آیه ۱ سوره اسراء در کتاب تفسیر خودش نکات ظریف را مطرح نموده است که برخی از آن نکات قرار شرح ذیل است. ایشان می‌گویند که اصل و حقیقت اسراء و معراج پیامبر (ص) از ضروریات دین بوده، و مورد اتفاق همه ملل و فرقه‌های اسلامی نیز می‌باشد. در مورد جسمانی بودن معراج النبی (ص) تأکید می‌کند و می‌گوید که عروج پیامبر (ص) جسمانی بوده است. به دلیل این که خداوند (ج) فرمود (اسری به عبده لیلاً) در این آیه کلمه عبد ذکر گردیده است که ظهور آن در جسم و روح هر دو می‌باشد نه در روح فقط (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۴۳).

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی‌های لازم در مورد کیفیت و چگونگی وقوع معراج پیامبر (ص) از دیدگاه مفسران فریقین محقق در این پژوهش دریافته است که چگونگی و شکل معراج النبی (ص) به صورت‌های ذیل است:

الف. برخی از مفسران مانند طباطبایی و ابوزهره و... از جمله‌ای طرفداران معراج روحی بوده‌اند. ایشان وقوع واقعه‌ای اسراء را همراه با جسم و روح می‌دانند ولی وقوع معراج پیامبر (ص) را فقط همراه روح می‌دانند.

ب. برخی از بزرگان وقوع هر دو واقعه (اسراء و معراج) را به صورت روحی و یا رؤیایی می‌دانند؛ مانند نقل‌های از حضرت عایشه و معاویه و حسن بصری و ابن اسحاق.

ج. ولی رویکرد جمهور مفسران فریقین براین است که واقعه معراج پیامبر (ص) همراه با جسم و روح در حالت بیداری صورت گرفته است. ایشان برای اثبات ادعای خودشان دلایل زیادی از قرآن و روایات صحیحہ آورده‌اند. و از آنان که قائل به معراج روحانی پیامبر (ص) هستند پاسخ داده‌اند که به جهت اختصار به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. آمدن کلمه «به عبده» در آیه اول اسری دلالت به اسراء معراج جسمی دارد. به علت این که لفظ عبد عبارت از مجموع روح و بدن می‌باشد.

۲. نیز قرآن مجید در آیات ۱۳-۱۸-سوره نجم در خصوص دیدنی‌های پیامبر (ص) اشاره نموده است که دیدن با چشم صورت می‌گیرد و چشم از آلات بدن است نه از آلات روح.
۳. همچنین در اخبار مشهور در کتب حدیثی فریقین آمده است که آن حضرت بر براق سوار شد. سوار بر مرکب شدن را به بدن نسبت داده می‌شود، نه به روح چون روح برای حرکت نیاز به مرکب ندارد.
۴. نیز نقل روایات که نماز خواندن پیامبر (ص) را در سفر معراج در مدینه، طورسینا، بیت الحم و بیت المقدس بیان می‌کند با توجیه معراج روحانی قابل جمع نمی‌باشد.
۵. مخالفت شدید و تکذیب مشرکان و مرتد شدن برخی از ضعیف‌الایمان پس از روبه رو شدن با این مساله که این خود دلیل آن است که پیامبر مدعی خواب یا مکاشفه روحانی نبوده و گر نه این همه مخالفت و سر و صدا ایجاد نمی‌گردید.

منابع

۱. ابن سینا، حسین، معراج نامه، بت، مطبعه عروه الوثقی.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰.
۳. ابن منظور، محمدابن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی.
۴. ادیب، بهروز، معراج از دیدگاه قرآن و روایات، انتشارات چاپ و نشرین الملل ۱۳۸۴.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ناشر: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان بیروت، ۱۴۱۵.
۶. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دار التفسیر، ۱۴۱۷.
۷. بروجردي، محمدابراهیم، تفسیر جامع، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۶۶.
۸. پیام قرآن تفسیر موضوعی، انتشارات نسل جوان، قم، بی تا.
۹. تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، ج ۵، بیروت، عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۳۷۷.
۱۰. الجوهري، اسماعيل ابن حماد، الصحاح، تاج اللغة، دارالعلم للملایین، بیروت ۱۹۸۷.
۱۱. رازی، ا، مقایس اللغة، مکتبه و مطبعه مصطفى الیالی الحلبي ۱۳۸۶.
۱۲. رازی، فخرالدین، تفسیر مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۰.
۱۳. الزحيلي، وهبة، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، دارالفکر، ۱۴۱۱، دوم.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.
۱۵. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ناشر بوستان کتاب قم، ۱۳۷۷، یازدهم.
۱۶. سید قطب، فی ظلال القرآن، مترجم: مصطفى خرم دل، احسان، پنجم، ۱۳۹۴.
۱۷. شنقيطی، محمدامین، اضواء البیان فی تفسیر القرآن بالقرآن، مکه، ۱۹۷۴.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷، پنجم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. عثمانی، محمدشفيع، تفسیر معارف القرآن، بی جا، شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۶.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، ۱۳۷۵.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، تهران، ۱۳۶۴.
۲۵. قشیری، عبدالکریم، تفسیر القشیری، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۲۸.
۲۶. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، ناشر کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۶.
۲۷. ماتریدی، ابو منصور، تفسیر الماتریدی «تأویلات أهل السنة»، قاهره، مجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، لجنة القرآن و السنة، سال ۱۳۹۱ ق - ۱۹۷۱ م.
۲۸. المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مجلدات ۳۶، ۴۳، ۱۷، ۱۸، تهران، مکتبه اسلامیه.

۲۹. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، ۱۳۶۱